

# نظر اجمالی معماری ایران در طول تاریخ

مهندس پرویز نیلوفری

بدست میآید، روشنگر آنستکه هنر و صنعت ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در این مرز و بوم ریشه و نشان دارد.

تمامی گستره ایران - به ویژه روستاهای آن اینک چون کتاب زنده‌ای از تاریخ معماری و هنر است. هر برگ این کتاب قطور گنجینه جاودانه‌ای از معماری ما را دربر گرفته و در لحظاتی کوتاه دروازه چندین هزار سال تاریخ را بروی تماشاگر می‌گشاید. کمتر روستائی در ایران وجود دارد که در آن معابد باستانی ناهید یا قلعه گبری و قلعه سلال یا (صلصال) باطاق‌های ضربی و یا هلالی بچشم نیاید و در آن از بقعه‌ها و امازاده‌ها و باقلعه‌های معروف به دختر که مضمونی افسانه‌ای - تاریخی را در خویش نهفته‌اند اثری نباشد. قلعه مرو و قلعه اصفهان که سرگذشت آنها تا اعماق افسانه‌ها ریشه دوانده است، قصر کیا کسار پادشاه ماد در همدان، کاخ بازار گاد، تخت جمشید یا پارسه، آثار شوش، ایوان مداین یا طاق کسری در تیسفون (نزدیک بغداد کنونی در محلی بنام سلطان پاک)، آثار آتشکده‌های باستانی چون آتشکده کرکوی سیستان، نشانه‌های طبقات و استعمال نخستین آجرها در تپه سلیک کاشان، مناره‌ها، سدهای باستانی، آثار تمدن باستانی « موهن جودارو » در بلوچستان و سند، بازمانده ساختمان‌های کهن در مرو، تجلیات قریحه ایرانی در آثار بابل، خرابه قصر هاتره (الحضر) در ساحل دجله، ویرانه‌های معبد کنگاور (ناهید)، یادگار خسرو پرویز در قصر شیرین، طاقستان کرمانشاهان، ساختمان الجایتو (سلطان محمد خدا بنده)، مقبره بایزید بسطامی و خیام و عطار، کاخ چهل ستون و عالی قاپو، مساجد اعجاب انگیزی

معماری ایران در طی تاریخ طولانی خود دارای ویژگی اصالت طرح و سادگی توأم با آرایش پر مایه بوده است»\*.

باین برداشت آرتور پوپ - مستشرق و ایران شناس نامی امریکا به فرهنگ معماری ایران روی میآورد. او میگوید: «اصالت اشکال زندگی ایران بدینگونه نمایان میشود که در انبیه مسکونی از خودنمایی و برون آرائی بدور بوده است» و باین یقین معماری را بعنوان یکی از پربارترین شاخه‌های درخت تنومند فرهنگ و هنر ایران معرفی می‌کند.

تحسین «پوپ» صدائست که تاریخ آنرا تکرار و تأیید می‌کند. تالارها و شبستانها و ستونهای تخت جمشید - این ارکستر سنگی عظیم - آیا یک ضیافت رنگین برای چشمها نیست؟ هزاران مسجد و بقعه و مقبره و بنای تاریخی در هر گوشه فلات گسترده ما، آیا شاه‌غزل‌های پر از سحر و افسون معماری نیستند؟

«پوپ» این سحر و افسون را می‌شناسد که میگوید: «گوناگونی بناهای ایرانی، از کلبه دهقانی و چایخانه و آلاچیق هاست، تا زیباترین بناهایی که تاکنون جهان بخود دیده‌است».

هنر در ایران به قدمت تاریخ است و معماری از کهن‌ترین هنر هاست. رونق و اعتلای معماری در ایران باستان گواه آنست که این سرزمین از کانونهای نخستین شهرسازی و نیز سدسازی و مهندسی بوده‌است. و این گواهی را بناهایی که از میان ازمنه و اعصار با سیمای غبار آلود سر بیرون کشیده‌اند و سدهای باستانی و شهرها و دهکده‌های شاهی تأیید میکنند.

آثاری که جستجو و گریخته از خلال نوشته‌های باستان شناسان



منظره‌ای از يك معبد باستانی متعلق به دوران پیش از اسلام که توسط باستان‌شناسان ایتالیایی در سیستان کشف شده است .

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در میان این گروه بسیار معماران شهره ایران باستان ، باید از «سنا» نام برد ، که تا مرزهای نبوغ پیش تاخت - و نیز از «برازه حکیم» که در زمان اردشیر ساسانی میزیست و سدساز و معمار و شهرساز بی‌همتائی بود . هم اوست که سدی را که اسکندر بر شهر فیروزآباد فارس بسته بود و بر اثر آن سالیان متمادی شهر را آب فرا گرفته بود شکست و فیروزآباد تازه‌ای بنا کرد که دستاوردها و خطوط اصلی معماری ایران را ترسیم میکرد .

نمونه‌هایی از آفرینشگریها و نیز خدمات چنین معماران و مهندسانی در کتاب « فارس‌نامه » ابن بلخی و آثار عجم

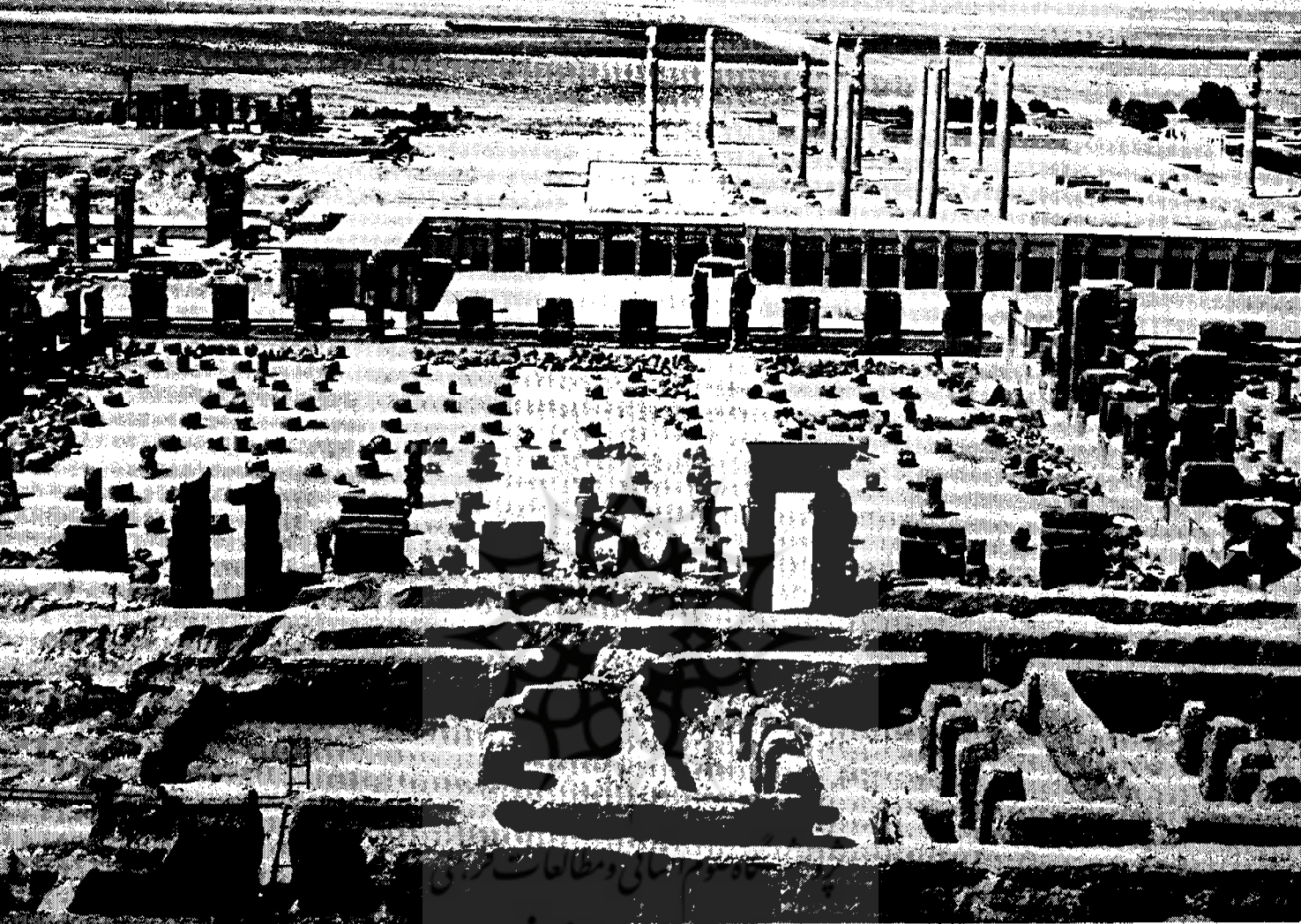
\* کتاب معماری ایران - آرتور پوپ .

که قله هنر و استعدادند ، چون مسجدشاه و شیخ لطف‌الله و مسجد جامع اصفهان و نیز آثار معماری زندیه و قاجاریه تا عصر حاضر و صدها و هزاران نشانه و یادگار و اثر دیگر ، همه و همه جلوه‌هایی از بهار هنر ایران و معماری دیرینه سال و پرغنای آنست . . .

### معماران ، مهندسان و سدسازان دوران باستان

معماران و هنروران شهرساز ایرانی در ازمه گذشته از برجسته‌ترین کارشناسان عصر خود بودند . تاریخ نام بسیاری از معماران برگزیده را بیاد ندارد ، اگرچه آثار گرانقدر آنها بهترین شناسنامه در شناسائی خصایل هنری و اندیشگی آنهاست .





منظره عمومی از تخت جمشید بزرگترین یادگار معماری عهد هخامنشی .

یافت. برخورد و آمیزش عنصر ایرانی با جریانهای فرهنگ و هنر و اندیشه اسلامی سیمای تازه‌ای به هنر ایران داد، بی‌آنکه هویت و روح آنرا تغییر دهد. معماری در ایران پس از اسلام از رنگارنگی پر بار و پر طراحتی و ظرافت و دقت نظر کم نظیری برخوردار شد و اوج این بازآفرینی در عصر هنروران صفوی شکفت. از معماران و هنروران عهد صفویه باید شیخ بهائی را نام برد که آثار جاویدان معماری او در اصفهان شهرت جهانی دارد. بطور کلی صدها معمار و مهندس گمنام و یا معروف

(فرست شیرازی) و «مرآت‌البلدان» و فارس‌نامه ناصری (حاج میرزا حسن فسائی) و سایر کتب قدیمی ما آمده است. در زمان هخامنشیان و ساسانیان عده زیادی از معماران و حجاران و سدسازان به آبادی این مرز و بوم همت گماشتند و ثمره این همکاری به‌خلاقیتی انجامید که در پرتو آن تخت جمشید در فارس و سدهای بسیاری بوجود آمد. پاره‌ای از این سدها هنوز برجاست.

پس از اسلام فرهنگ و هنر ایران با عوامل تازه‌ای ترکیب

ایرانی وجود دارند که در ساخت ابنیه باستانی و سدها و آثار گرانمایه، قریحه و استعدادی شگرف از خویش بروز داده‌اند. نام بسیاری از اینان در کتیبه ساختمان‌های باستانی محفوظ است و باید تحقیق کاملی در این زمینه صورت پذیرد.

## آئینه نسلها

معماری ایران، شناسنامه معتبر مردم این سرزمین از دورترین ازمینه تاریخ است. طبیعت اقلیمی ایران در زمینه تأثیرگذار فرهنگهایی که با فاتحین و مغلوبین به این خطه راه گشودند، در این معماری به بارزترین اشکال خود جلوه کرده است. آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسلها در معماری ایران انعکاس واضحی دارد. نه تنها در بناهای عظیم، در ابنیه و آثار کوچک هم این انعکاس را میتوانیم دریابیم. آتشکده و دهکده‌های شاهی که در گذشته در سراسر این خطه جایجا روئیده بود و اینک نشانه‌های پراکنده و فرسوده‌ای از آنها در گوشه و کنار بجا مانده است، باری از فرهنگ معماری ایران باستان را در خویش نهفته‌اند.

## آتشکده‌ها و دهکده‌های شاهی

آتشکده و دهکده‌های شاهی را در ایران باستان بر روی تپه‌ها بنا میکردند. در دهکده‌های شاهی معابد ویژه پرستش مهر و ناهید (فرشته آب) وجود داشت. نقاطی را که هم‌اکنون به پل دختر یا قلعه دختر نسبت میدهند، همان پرستشگاههای باستانی ناهید یا فرشته آب است. از معابد مهر (میترا) که قبل از زرتشت در ایران رواج داشته است، نمونه‌های چندی باقی است. معبد «مصیصر» در شمال غربی ایران که در کوه تراشیده شده است و همچنین صخره «بی‌فخریکار» در جنوب دریاچه رضائیه از جمله این نمونه‌ها هستند. مهرپرستان باستانی قبل از ورود به معبد درجائی دست خود را به آب میزدند و آن را (مهر آب) مینامیدند - که شاید لغت محراب دوره اسلامی از آن سرچشمه گرفته باشد - معماری ایران حاصل قرن‌ها تطور و ثمره اندیشه و قریحه هنری نیاکان ما و الهاماتشان از سنت‌ها و دستاوردهای دیگر ملل است. با آنکه در هر دوره سیمای معماری ایرانی تغییر و تبدیلی‌هایی را پذیرفته است، روح یگانه و ذات نیرومند آن همواره زنده و بالنده باقی مانده و همپای زمان ظرفیت‌های خویش را عوض کرده است. مروری در خطوط اصلی معماری ایران از آغاز تاریخ مدون ما، در واقع گشایند شاهره‌ای به قلب تمدن دیرینه سال این سرزمین است. نخستین سلسله حکومت ایران سلسله ماد بود که بخشی از هستی خود را در بناء و آثاری که آفریده، به وام نهاد.

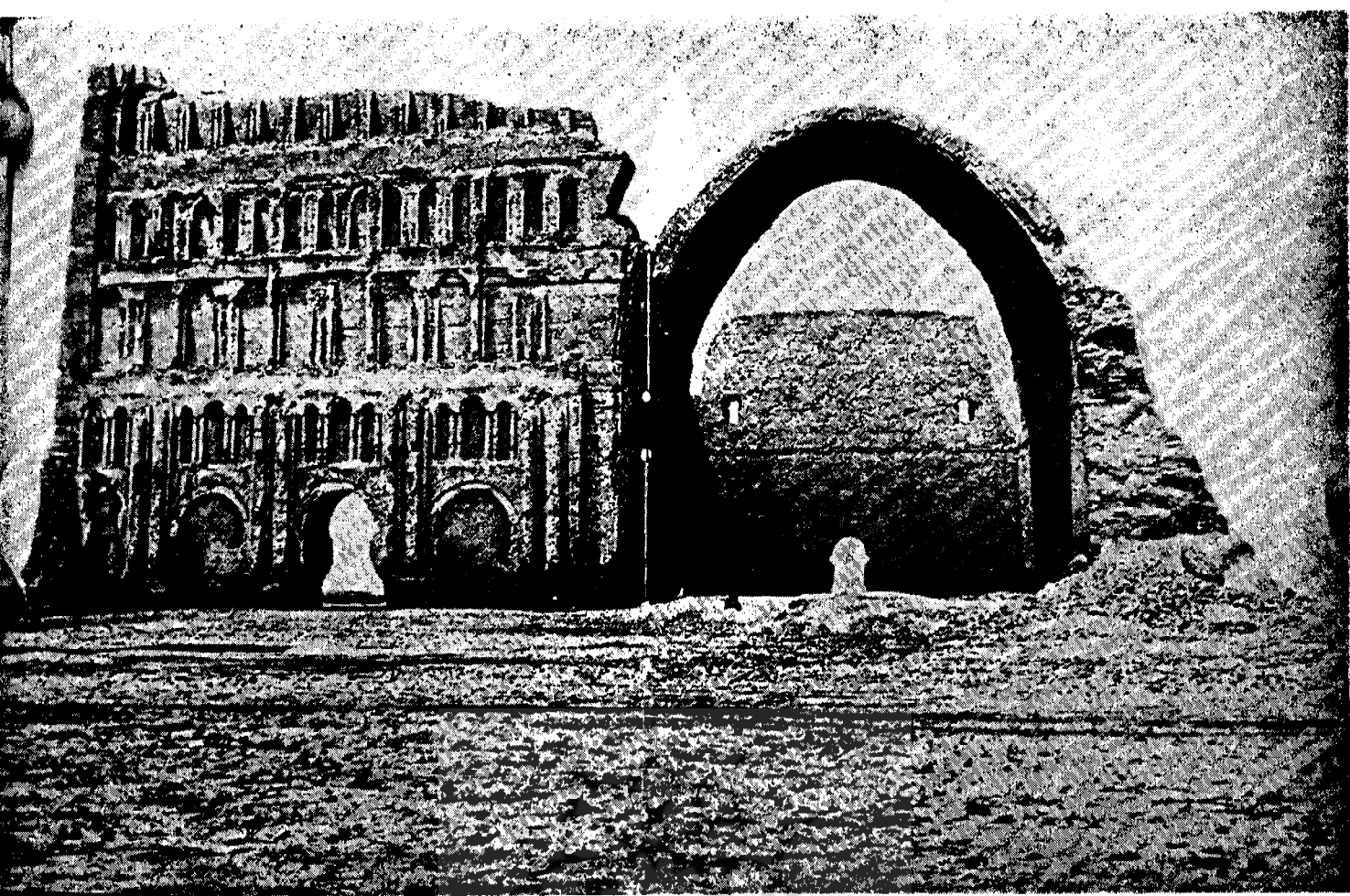
سنگ‌شیر همدان - دکان داود در سر پل زهاب - دخمه صحنه در کرمانشاه - دخمه موسوم به طاق فرهاد در لرستان - دخمه ده نو اسحق وند نزدیک کرمانشاه از برگزیده‌ترین آثار این دوره است. «پولی بیوس» - در توصیفی که از کاخ باستانی همدان کرده، یاد آور شده است که ستون‌های این کاخ از چوب سدر و سرو ساخته شده و روی این ستونها از لوح‌های سیمین و زرین پوشانده شده بود «دمرگان - پرود» و «شی‌بیه» معتقدند که این نشانه‌ها به آثار تخت جمشید کم و بیش شباهت دارند.

## دوره هخامنشی

قرنها پیش از آنکه بابل و یونان و روم وارد صحنه تاریخ شوند، تمدنهای عظیمی در سرزمین پهناور ایران وجود داشته است. شاهنشاهان هخامنشی در عرصه وسیع سرزمین خود از مهارت و استادی هنرمندان ممالک زیر فرمان خویش بنحوا حسن بهره می‌گرفتند و از این جهت در آثار معماری و صنعت ایران در دوره هخامنشی تأثیر سایر ملل نیز دیده میشود - چنانکه داریوش گوید در بنای قصر او صنعتگران بابلی - مادی - لیدی و مصری خدمت میکردند و مصالح ساختمان‌ها از فواصل دور دست می‌آمده است. استفاده از تجربیات و سنن ملل تابعه، نه بصورت تقلیدی و پیروی، بلکه به گونه بازآفرینی و الهام پذیری خلافت، مختص دوره هخامنشی نیست. مادها نیز پیش از آن از تجربه و مهارت «اوراتوئی»‌ها استفاده بسیار بردند. معماری دوره هخامنشیان ادامه یک هنر ملی بود. اصالت این هنر در قصر کیاکسار پادشاه ماد (در همدان) جلوه کرد و کورش در ادامه آن پس از شکست مادها قصری در بازار گاد یا «مادر سلیمان» در هشتاد کیلومتری شمال تخت جمشید بنا کرد که گرچه مانند تخت جمشید دارای ستونهای متعدد و آن عظمت خیره‌کننده نبود، ولی میتوان گفت که در حقیقت بنای استخر (تخت جمشید) تکامل آن بنای کهن است. تخت جمشید که بجرئت میتوان گفت یکی از بزرگترین و وسیع‌ترین بناهایی است که قبل از معمول شدن آهن ساخته شده است، دارای سقف و ستون‌های چوبی بسیار بوده است. سقف ساختمان از چوب سدر لبنان و بلوط ساخته شده و بر ستون‌های حاشیه‌دار که سرستون‌هایی آراسته آنها را تزئین میکرد تکیه داشته است.

ستونهای چوبی و تزئینات چوبی سقف که نمونه‌ای از زیباترین مظاهر و رنگ‌های تیره چوبهای سدر و گردو و بلوط و سرو و رنگهای روشن‌تر عاج بوده است، نقش عمده‌ای در معماری هخامنشی بازی کرده است. «گوردن چاپلند» میگوید: «آثار معماری دوره هخامنشی بطوری متناسب و شبیه است که پس از دوره سومریها در این منطقه از آسیا نظیر ندارد.





طاق کسری یا ایوان مدائن - بازمانده کاخ شهریاران ساسانی در تیسفون

مشهود است. خرابه معبد ناهید در «کنگاور» نیز از آثار  
بجا مانده این دوره است.

از دوره اشکانیان در معماری رسمی ایران ساختن گنبد  
متداول گشت. از همان روزگار گنبدها روی چهارطاق گوشه  
بنا میشد و تفاوت آن با گنبدهای رومی این بود که گنبدهای  
رومی روی گوشواره بنا می‌گشت.

### معماری دوره ساسانیان

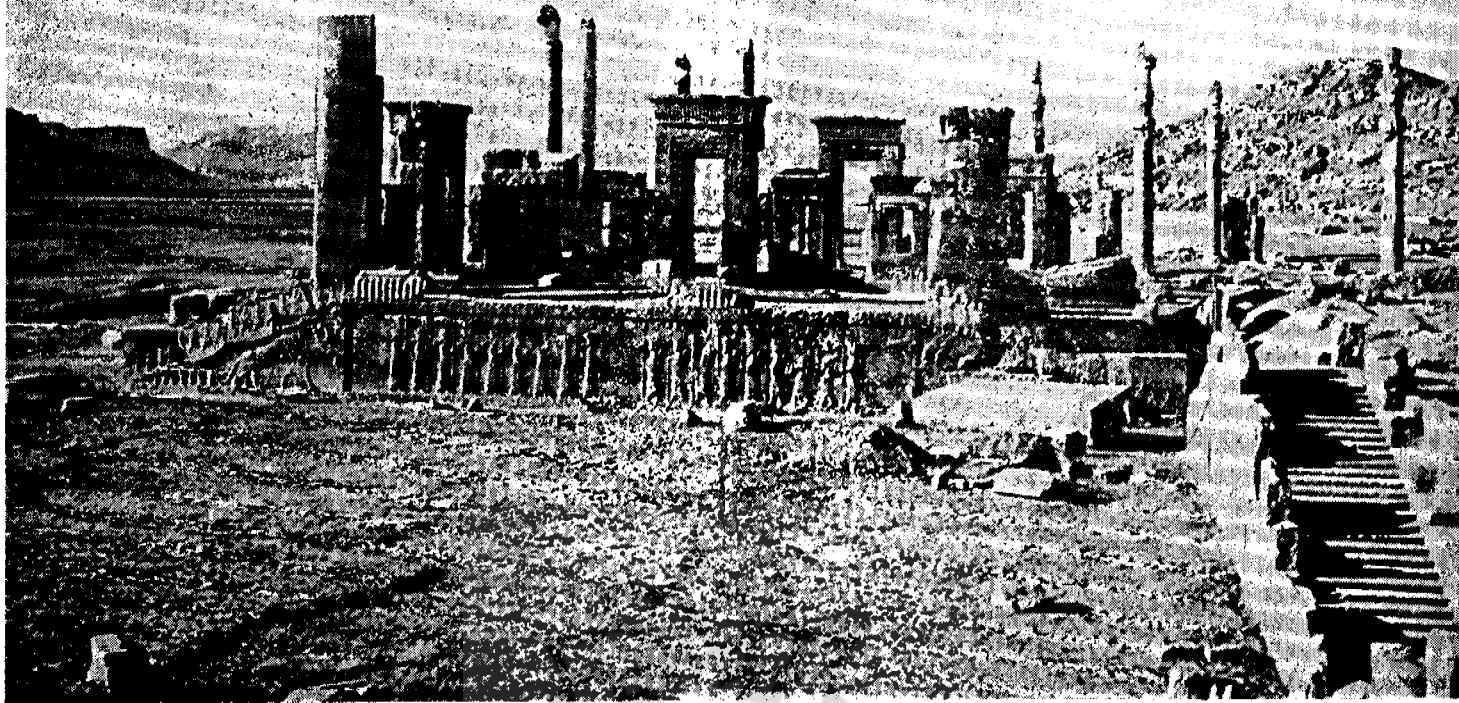
معماری این دوره سرشت اصیل‌تری دارد. قصر شیرین  
که خسرو پرویز بنا کرد، کم‌وبیش به پیروی از ساختمان‌های  
هخامنشیان ساخته شده است. طاق کسری (ایوان مدائن)  
در نزدیکی دجله در شهر تیسفون از آثار شناخته‌شده این دوره است.  
این بنا از آجرهای نظامی سفید و بزرگ ساخته شده است.  
بروی تالار بزرگی که موسوم به ایوان است، هشت تالار کوچک

بخلاف نقش‌های بی‌جان و نازیباى باهلی و آسوری، حجاریهای  
ایران همه زنده و جالب‌اند. تخت‌جمشید از مهمترین آثار  
هخامنشیان است. در ساختن این بنای عظیم اکثر پادشاهان  
هخامنشی - هر یک به گونه‌ای - دخالت داشته‌اند. در این  
شهره‌ترین یادگار ایران باستان چوب بعنوان یکی از مصالح  
اساسی بکار گرفته شده است. چوب ساختمان از لبنان، عاج  
از هندوستان و سنگ ستونها از یونان و زینت دیوارها از  
اتیوپی (حبشه) تحصیل شده است.

### معماری دوره اشکانیان

از دوره اشکانیان آثار پراکنده‌ای در ایران و خارج  
وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از خرابه قصر «هاتره»  
(الحضر) در ساحل دجله - این بنا اساساً اثر ذوق ایرانی است،  
ولی تأثیر معماری رومی در طرز ساختمان سقف و کج بر بیهای آن





کاخ داریوش در تخت جمشید .

رایج در معماری کهن ایرانی با همه ویژگیهای خود از گچ‌بری و آرایش با کاشی لعابدار و غیره به معماری اسلامی ایران انتقال یافته است. نقش اسلیمی‌های مساجد ایرانی همان پیچک‌های ساسانی است که نمونه آنرا در طاق بستان می‌یابیم ، ولی در هر حال این نقوش و عوامل در اثر پدیدار شدن يك امپراتوری اسلامی و ورود تمدنهای گوناگون در لوایك آئین واحد، بهره‌گیریهای مقابلی را سبب شده و تغییر شکل یافته است که درخور مطالعه است .

از آغاز گرویدن ایران به اسلام بسیاری از سنت‌های ایرانی و از جمله سنت معماری آن همگام با تأثیرات «بیزانس» میان حکمرانان اسلامی متداول گشت، چنانکه بسیاری از قصور خلفای اموی از جمله قصر الحیر و خفاجا و مشاطه خیلی بیش از آنچه از هنر «بیزانس» متأثر باشد از اسلوب ایرانی الهام گرفته است و زینت‌های آن از شیوه ایرانی پیروی کرده است . . .

۱- اکبر تجویدی - کتاب : نمایش‌گاه مشترك عکسهای تاریخی و بناهای نوین یاد پاکستان و ترکیه و ایران .

گشوده میشد . طاقها بطور کلی شکلی نیم‌دایره داشت و طاق بارگاه بشکل هلالی ساخته شده و وسعت شگرف آن دیده‌هر بیننده‌ای را خیره میسازد . در حالیکه عناصر و خطوط اصلی این بنا از قریحه ایرانی مایه می‌گیرد ، دور نیست که الهامی از معماری رومی در پاره‌ای از قسمت‌های آن انعکاس یافته باشد .

### پس از اسلام

پس از آنکه اسلام ایران را فراگرفت ، معماری ملت ما خود را با لوازم آئین جدید سازگار ساخت . چنین است که پاره‌ای از باستان‌شناسان و مورخان را عقیده بر آنستکه برجهای آتش ساسانی ، ساختن مناره را که برای دعوت مسلمانان به نماز بکار میرفت ، الهام داده است .

عوامل معماری ساسانی با اختلافات کم‌وبیش - اما به وضوح - در دوره‌های اسلامی خود را تحمیل کرد . تزئینات